درمکتب امام

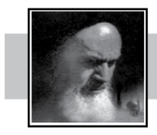

تدبر در ادعیه ماه شعبان

این دو ماه [شعبان و رمضان]، ماه‌هایی هستند که باید ما راجع به آنها احترام قائل بشویم و ادعیه‌ای [را] که در این ماه مبارک؛ ماه معظم شعبان وارد شده است و پس از آن در ماه مبارک رمضان وارد شده است بخوانیم و درش تدبر کنیم.

صحیفه امام؛ ج۲۰؛ ص۴۹ | جماران؛ ۲۵فروردین۱۳۶۶

سالگرد تأسیس کمیته استقبال از امام خمینی(ره)

عظیم‌ترین استقبال تاریخ طراحی شد

دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان

«... کمیته استقبال، درگیر کار بزرگی شده بود؛ کاری بزرگ در روزی بزرگ. هر چند تلاش می‌کرد بر امور جاری مسلط شود، اما حادثه پیش‌رو بزرگ‌تر از آن بود که بتوان کاملاً آن را در دست گرفت...»

این بخشی از کتاب «شرح اسم»، زندگی نامه مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای است. با فرار شاه، حضرت امام خمینی رحمه‌الله علیه اعلام کردند که به زودی به ایران خواهند رفت. همین اعلام، موجب شد تا یاران و شاگردان ایشان، به تکاپو افتاده و مردم ایران را پس از ۱۴ سال و ۳ ماه برای استقبال بی‌نظیر از رهبر تبعیدی خود آماده سازند.

از همان ابتدا پیش‌بینی می‌شد که کاری سترگ در پیش است و بایستی همه امور دقیق و سازمان یافته پیش برود تا حضرت امام در اوج مبارزات در کنار امت خود قرار گیرند. تصمیم بر این شد که کمیته‌ای مرکب از روحانیون انقلابی و مبارزین پیرو امام برای این امر خطیر تشکیل شود و همه کارها را برنامه‌ریزی نماید. شهید حجت‌الاسلام فضل‌الله محلاتی از اعضای برجسته جامعه روحانیت مبارز تهران درباره آن روزها و شکل‌گیری کمیته استقبال گفته است:

«... یک روز صبح بعد از اذان در منزل در حال استراحت بودم. تلفن زنگ زد، مرحوم مطهری بود، گفتند: دیشب احمد آقا از پاریس تلفن کردند و گفتند، امام تصمیم گرفته‌اند بیایند ایران، شما رفقا را خبر کنید و به منزل ما بیایند. من به بعضی از افراد تلفن کردم و رفتم صبح اول آفتاب منزل مرحوم شهید مطهری، ایشان پیام امام را به ما ابلاغ کردند و بعد فرمودند، باید اول فکر محلی برای استقرار امام باشیم و سپس کمیته استقبال از امام را تشکیل بدهیم... از منزل شهید مطهری تلفن کردیم به مرحوم شهید بهشتی که بیایند آنجا، گفتند که بعضی از دوستان این‌جا هستند و دارند مذاکره می‌کنند، دیدیم که دو تا کار می‌شود کرد... برای اینکه هماهنگ کنیم به اتفاق مرحوم مطهری رفتیم منزل شهید بهشتی و بقیه افراد جامعه روحانیت مبارز را هم خبر کردیم و همگی در منزل شهید بهشتی جمع شدیم و پس از ارائه نظرات، شورای مرکزی کمیته استقبال تشکیل شد...»[1]

سازماندهی کمیته استقبال از امام

اولین جلسه در اوایل بهمن در منزل آیت‌الله دکتر بهشتی برگزار شد، در آن جلسه حاضران تاکید داشتند که برای استقبال هرچه باشکوه‌تر از رهبر انقلاب، همه گروه‌های مردمی در این کمیته نماینده‌ای داشته باشند. برای این منظور، نمایندگانی از گروه‌های مختلف سیاسی معرفی شده و جلسه اصلی کمیته استقبال از امام در مدرسه رفاه تشکیل شد.

در این جلسه افراد زیر به عنوان اعضای ستاد مرکزی کمیته استقبال از حضرت امام انتخاب شدند:

استاد آیت‌الله مرتضی مطهری (رئیس کمیته و رابط شورای انقلاب)، آیت‌الله دکتر محمد مفتح و آیت‌الله فضل‌الله محلاتی(رابط روحانیت مبارز)، هاشم صباغیان، اسدالله بادامچیان، دکتر کاظم سامی، حسین شاه حسینی، اصغر تهرانچی، علی دانش منفرد.[2]

پس از آن، شاخه‌ها و گروه‌های کاری کمیته تشکیل شد که شامل گروه‌های زیر می‌شد که مسئولیت و محدوده کاری آنها عبارت بود از:

۱- شاخه تبلیغات: انجام کلیه امور تبلیغات شامل تکثیر اعلامیه‌ها، حضور در راهپیمایی‌ها، ابلاغ نقطه‌نظرات لحظه به لحظه امام و کمیته استقبال به مردم و تهیه شعارها؛

۲- شاخه انتظامات: مراقبت و تامین امنیت همه‌جانبه و تنظیم انتظامات راهپیمایی‌ها و حفاظت مسیر حضرت امام از فرودگاه تا بهشت‌زهرا با یاری جستن از مساجد و ائمه جمعه و نیروهای مؤمن؛

۳- شاخه تدارکات: تامین کلیه نیازهای تدارکاتی شامل، تامین مواد غذائی، تامین کلیه امکانات مالی، تهیه بلندگو و... برای کلیه واحدهای فعال کمیته؛

۴- شاخه برنامه‌ریزی تشریفات: تهیه و تنظیم برنامه‌ریزی از لحظه ورود امام به کشور تا استقرار در مدرسه رفاه، تهیه برنامه‌های داخل سالن فرودگاه، تنظیم و استقرار نیروهای داخل سالن، تهیه ماشین برای امام در مسیر فرودگاه تا بهشت‌زهرا و...

۵- شاخه برنامه‌ریزی داخلی: مشخص کردن فرد یا افراد مسئول برای کلیه امور، تعیین و برنامه‌ریزی تیم‌های انتظامات داخل، تهیه کارت برای افراد و...

۶- شاخه واحد شهرستان‌ها: ارتباط منظم با شهرستان‌ها و ارسال اعلامیه‌ها و اخبار به شهرستان‌ها و اخذ اخبار و اطلاعات و نیازهای آنها؛

۷- شاخه خبرنگاران داخلی و خارجی: آماده کردن زمینه مناسب برای پوشش خبری اخبار نهضت اسلامی و مراسم روز استقبال از حضرت امام توسط خبرنگاران داخلی و خارجی در داخل و خارج از کشور.

تقسیم وظایف

پیش از دوازدهم بهمن، استاد مطهری از آیت‌الله خامنه‌ای خواسته بود، سخنرانی و خوش‌آمدگویی به امام را در تالار فرودگاه به عهده بگیرند. اما ایشان نپذیرفته بودند. آیت‌الله خامنه‌ای دراین باره گفته‌اند:

«... گفتم چرا من؟ آقای مطهری دلیل آورد، اما نتوانست بنده را قانع کند. گفتم من توان سخنرانی در این لحظات بزرگ، که نفس در سینه‌ها حبس می‌شود، ندارم. شهید مطهری، نبود فرصت برای انتخاب فرد دیگر را به عنوان علت آخر مطرح کرده، سخنرانی را به‌عهده بنده گذاشته بود. روز موعود فرارسید و از خوش‌اقبالی [من] فرصت برای مراسم خوش‌آمدگویی نشد؛ فقط اکتفا شد به تلاوت قرآن و سرودی که گروهی از دانش‌آموزان خواندند و صدایش بین مردم پیچید و زبانها آن را تکرار کرد.»[3]

ای مجاهدای مظهر شرف/ای گذشته زجان در ره هدف
چون نجات انسان، شعار توست/ مرگ در راه حق، افتخار توست...

این شعر در سال تبعید امام خمینی از ایران یعنی ۱۳۴۳ توسط حمید سبزواری سروده شد و چهارده سال بعد با تبدیل شدن به سرود استقبال از رهبر انقلاب اسلامی جنبه ملی پیدا کرد. «حسین شمسایی» از مبارزان و اعضای کمیته استقبال از امام هم به گروهی که برای سرود فوق تشکیل داده بودند، اشاره کرده و گفته است: «... گروه سرودی که ما تشکیل داده بودیم ۱۵۰ نفر بودند. سرپرست گروه هم آقای شاهنگیان بودند و مرحوم صبحدل و من هم همراه و همکار آقای شاهنگیان بودیم. از کسانی که در این گروه بودند مرحوم حمید سبزواری، صالحی، مرشدزاده و آقای شریفی‌نیا بود که الان هنرپیشه است. آنها را به دو گروه ۷۵ نفره تقسیم کردند. یک گروه در فرودگاه مهرآباد سرود «خمینی ای امام» را خواندند. گروه سرود دیگر در بهشت زهرا مستقر شدند تا سرود «برخیزید ای شهیدان راه خدا» را بخوانند. پیش‌بینی آن را کرده بودیم که با توجه جمعیت زیاد امکان اینکه گروه ۱۵۰ نفره بخواهد خود را بموقع از فرودگاه مهرآباد به بهشت زهرا برساند وجود ندارد. بنابراین هماهنگی‌های لازم از قبل صورت گرفته بود...»[4]

حفظ امنیت امام

اما مهم‌ترین بخش استقبال از حضرت امام، حفظ امنیت ایشان از لحظه حضور در فرودگاه مهرآباد و در طول مسیر استقبال از فرودگاه تا بهشت زهرا و محل اولین سخنرانی ایشان، سپس تا مکان سکونت‌شان بود. این موضوع دغدغه بسیار سنگینی برای کمیته استقبال به شمار می‌رفت.

برای کمیته استقبال جهت امر خطیر فوق، دو گزینه مطرح شده بود؛ گزینه نخست مجاهدین خلق بودند که در آن روزها نام و نشانی برای خود داشتند، علی‌رغم اینکه نفاق‌شان در داخل زندان، مارکسیست شدن آنها در بیرون زندان و تصفیه‌های خونین اعضای مذهبی، دیگر آبرویی برایشان در میان انقلابیون پیرو امام خمینی باقی نگذارده ولی پروپاگاندای رسانه‌های شاهنشاهی و وابسته به کانون‌های معلوم‌الحال در چند ماه منتهی به پیروزی انقلاب، مجددا خیانت‌ها و جنایت‌های آنها را در محاق برده بود.

مجاهدین خلق شروط بسیاری مطرح کردند، از قبیل دریافت مقادیر معتنابهی اسلحه و مهمات، عدم دخالت افراد دیگر حتی شورای انقلاب در حفاظت از امام و تصمیم‌گیری انحصاری آنها و...

گزینه دیگر گروهی از انقلابیون پیرو امام به نام «گروه توحیدی صف» بودند. فرمانده‌شان، یک جوان۲۴ ساله رشید، زیبا و خنده‌رو بود که در گروه با نام «میرزا» شناخته می‌شد. گروهی که ابتدا با عنوان «فجر اسلام» برای پخش و توزیع اعلامیه‌ها و متن سخنرانی‌های امام به وجود آمد و سپس به مبارزه مسلحانه روی آورد. گروه توحیدی صف، علی‌رغم فعالیت‌های بسیار و خالصانه، گروه ناشناخته‌ای بود که تنها نزدیکان امام از جمله آیت‌الله بهشتی و استاد مطهری و حاج مهدی عراقی از عملکردشان مطلع بودند.

تنها شرط‌شان، گمنام ماندن بود

انقلابیون گروه توحیدی صف همه سلاح‌ها را خودشان تامین می‌کردند و در مقابل حداکثر ۱۵۰ نفر تیم پیشنهادی مجاهدین خلق، تامین ۴۰۰۰ نفر نیروی مسلح را برعهده گرفته بودند.

طرح آنها یک تیم گسترده نظامی را دربر می‌گرفت. تیمی که ۱۰ دستگاه اتومبیل خدگلوله برای محافظت از امام و یارانشان تدارک دیده، صدها نفر افراد مسلح در فرودگاه و مسیر عبور ماشین ایشان به بهشت زهرا و سپس محل اقامتشان مستقر ساخته، برای درگیری‌های احتمالی با مزدوران شاه و تانک‌هایی که در فرودگاه موضع گرفته بودند، سلاح آرپی‌جی به داخل انتقال داده و حتی مکان ایستادن هواپیمای امام را به‌گونه‌ای تعیین کرده بودند که نتوانند هنگام خروج امام از هواپیما، از برج مراقبت فرودگاه، ایشان را هدف قرار دهند.[5]

محمد بروجردی و یارانش برای آنکه وظیفه حفاظت از امام را در روز ورودشان به میهن برعهده بگیرند، تنها یک شرط داشتند؛ شرطی که محمد بروجردی، اینچنین برای دکتر بهشتی شرح داد:

«... هیچ کس متوجه نشود که ما افتخار این مسئولیت را به‌عهده گرفته‌ایم. می‌خواهیم چون گذشته ناشناخته باشیم. ترس از آن را داریم که تمام زحماتمان نزد خدا بی‌اثر شود. ما قصد نداریم سهمی برای خود قائل شویم.»[6] و به این شکل کمیته‌ای بزرگ که حدود ۶۰ هزار عضو داشت، برای عظیم‌ترین استقبال تاریخ، آماده شد.

۱- خاطرات و مبارزات شهید محلاتی- مرکز اسناد انقلاب اسلامی- تهران- ۱۳۷۵- صفحه۱۰۶
۲- قاسم‌پور، داوود، دهه سرنوشت ساز، مرکز اسناد انقلاب اسلامی تهران، ۱۳۸۵، صفحه۹۲ و ۹۳
۳- شرح اسم - هدایت‌الله بهبودی- مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی- چاپ اول- تابستان ۱۳۹۱ - صفحه ۶۵۳
۴- خاطره بازی با حسین شمسایی، عضو کمیته استقبال از بنیانگذار انقلاب اسلامی- مژگان مهرابی- همشهری - ۱۴ بهمن ۱۳۹۹
۵- محمد؛ مسیح کردستان: زندگی نامه شهید محمد بروجردی- نصرت الله محمودزاده – انتشارات روایت فتح- ویراستار جواد کامور بخشایش- چاپ اول- ۱۳۹۵
۶- همان

ترامپ باز هم غلط زیادی کرد

بستن تنگه هرمز و انهدام ناو آمریکا دست ایران و متحدان روی ماشه است

سرویس سیاسی-

قمار جدید ساکن کاخ‌سفید با اعزام ناوگان جنگی به منطقه، نه نشانه قدرت، که اعتراف به بن‌بست راهبردی واشنگتن در برابر اراده پولادین مقاومت است؛ اکنون دست ایران و متحدانش بر ماشه‌ای است که با اولین خطای دشمن، شریان انرژی جهان در تنگه هرمز را قطع و ابهت پوشالی ناوهای میلیاردی یانکی را در قعر آب‌های خلیج فارس دفن خواهد کرد.

واشنگتن و تل‌آویو پس از شکست مفتضحانه در جنگ ۱۲ روزه و ناکامی در فتنه اخیر که با هدف براندازی و تجزیه طراحی شده بود، بار دیگر به تاکتیک سوخته «تهدید نظامی» روی آورده‌اند. این روزها رسانه‌های اجاره‌ای و فارسی‌زبان بیگانه، همصدا با اتاق جنگ واشنگتن، طبل حضور ناو هواپیمابر «بواس‌اس آبراهام لینکلن» را در منطقه می‌کوبند تا شاید از این نمد، کلاهی برای بازسازی هیمنه پوشالی یانکی‌ها ببافند. اما حقیقت میدان، فرسنگ‌ها با این هالیوودیسم رسانه‌ای فاصله دارد. ایران اسلامی،که هم میدان جنگ را دیده و هم کارزار تحریم، امروز نه تنها در اوج اقتدار نظامی است، بلکه دست ایران و متحدان بر روی ماشه‌ای است که چکاندن آن، به معنای محو شدن ناوگان و پایگاه‌های آمریکا از نقشه منطقه و انفجار قیمت نفت در بازارهای جهانی است. «تنگه هرمز» امروز بیش از هر زمان دیگری، اهرم فشار راهبردی تهران برای ادب کردن کدخدای خودخوانده دهکده جهانی است!

دیپلماسی با لوله تفنگ!

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور قمارباز آمریکا، در پیامی با تکرار یاوه‌گویی پیشین خود، از جمهوری اسلامی ایران خواست برای دستیابی به یک «توافق منصفانه و عادلانه» پای میز مذاکره بیاید. وی در این پیام مدعی شد یک «ناوگان عظیم» نظامی به سمت ایران در حرکت است که در رأس آن ناو هواپیمابر «آبراهام لینکلن» قرار دارد و گفت این ناوگان از نظر ابعاد، بزرگ‌تر از ناوگانی است که پیش‌تر به ونزوئلا اعزام شده بود. ترامپ تصریح کرد: «این ناوگان آماده، مایل و قادر است در صورت لزوم مأموریت خود را با سرعت و خشونت انجام دهد.» وی با ابراز امیدواری نسبت به بازگشت سریع ایران به میز مذاکره، بر محوریت «عدم دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای» تاکید کرد و با لحنی تهدیدآمیز مدعی شد «زمان در حال پایان یافتن است». او حتی با وقاحت به عملیات موسوم به «چکش نیمه‌شب» در تابستان سال جاری اشاره کرد؛ حمله‌ای که در میانه‌روند مذاکرات و با همکاری رژیم صهیونیستی انجام شد تا به زعم خود، اراده ملت ایران را بشکنند.

این رفتار دوگانه ترامپ، مصداق بارز «دیپلماسی با لوله تفنگ» است که نشان می‌دهد واشنگتن هنوز درک نکرده که زمانه غارتگری‌های قرن نوزدهمی به پایان رسیده است؛ او با یادآوری جنایت چکش نیمه‌شب، ناخواسته اعتراف می‌کند که حتی در حین مذاکره نیز به دنبال ضربه زدن است، لذا هرگونه دعوت به گفت‌وگو تحت سایه ناوهای جنگی، چیزی جز دعوت به «تسلیم» نیست که پاسخ آن را نه در پشت میز، بلکه در میدان و با غرق شدن ناوهایش خواهد گرفت.

چرا بستن تنگه هرمز حق مسلم ماست؟

برخلاف پروپاگاندای غرب که هرگونه اقدام ایران در تنگه هرمز را «نقض قوانین» می‌خواند، بازخوانی دقیق کنوانسیون‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که تهران برای بستن این آبراهه، «حجت حقوقی» تمام دارد. هر چند شاید حقوقدانان غربی و سازمان‌های حقوقی که مزدور و جیره بگیر آمریکا هستند، جرئت بازخوانی آن را ندارند.

۱- از کنوانسیون ژنو تا جامائیکا: بستن تنگه هرمز حق قانونی جمهوری اسلامی ایران است که در حقوق بین‌الملل با صراحت به آن تصریح شده است. توضیح آنکه مواد ۱۴ تا ۲۳ از کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو و مواد ۱۷ تا ۳۷ از کنوانسیون ۱۹۸۲ جامائیکا به موضوع دریای ساحلی و حق عبور کشتی‌ها اختصاص دارد. طبق بند ۴ از ماده ۱۴ کنوانسیون ۱۹۵۸، «عبور و مرور تا جایی بی‌ضرر خواهد بود که به آرامش، نظم یا امنیت کشور ساحلی آسیب نرساند.»

۲- تشخیص با ایران است:نکته طلایی حقوقی اینجاست که طبق همین کنوانسیون‌ها، تشخیص «بی‌ضرر» بودن عبور کشتی‌ها بر عهده کشور ساحلی، یعنی ایران اسلامی، گذارده شده است. در بند یک از ماده ۱۶ تصریح شده: «کشور ساحلی می‌تواند اقدامات لازم را برای جلوگیری از عبور و مروری که بی‌ضرر نیست، به عمل آورد.» حال باید پرسید؛ وقتی آمریکا رسماً جنگ اقتصادی راه انداخته و صادرات نفت ما را تحریم می‌کند، و اخیراً جسارت کرده و با قشون‌کشی دریایی، چنگ و دندان نشان می‌دهد، آیا عبور نفتکش‌های حامی این جهان‌خوار از آب‌های ما، «بی‌ضرر» است؟ پاسخ قطعاً منفی است.

۳- حق اقدام متقابل (REPRISAL): علاوه بر این، ایران می‌تواند با استناد به حق «اقدام متقابل» یا تلافی‌جویانه که در حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است، تنگه هرمز را مسدود کند. وقتی دشمن شمشیر را از رو بسته، قرار نیست ما با لبخند دیپلماتیک از او پذیرایی کنیم. همان‌طور که دکتر ولایتی، مشاور رهبر انقلاب قبلاً در روسیه تاکید کردند: «اگر ایران نتواند نفت خود را صادر کند، هیچ کشور دیگری در خلیج‌فارس هم قادر به صدور نفت خود نخواهد بود.» این فرمول، هم قانونی است و هم انقلابی.

باید یادآور شد که پیشنهاد بستن تنگه هرمز، نه یک واکنش هیجانی و لحظه‌ای، بلکه راهبردی است که روزنامه «کیهان» بارها بر آن به عنوان یکی از گزینه‌های کلیدی و عقلانی ایران در مواجهه با تهدیدات نظامی و تروریسم اقتصادی آمریکا تأکید کرده است. کیهان همواره در تحلیل‌های خود به این نکته مبنایی اشاره داشته است که وقتی دشمن با وقاحت تمام، تهدید نظامی می‌کند، دلیلی ندارد که امنیت انتقال انرژی برای متحدان و شرکای او فراهم باشد.

طرف حساب شما «من» هستم!

در تحلیل ریشه‌های این اقتدار، باید به این حقیقت راهبردی نگریست که دشمنان ایران اسلامی سال‌هاست در محاسبات خود دچار خطای فاحش شده‌اند. آن‌ها گمان می‌کردند با ابزار تحریم و تهدید می‌توانند تصویری لرزان و منفعل از جایگاه ایران در عرصه بین‌المللی ارائه دهند؛ تصویری که در آن، دشمن بدون کمترین دغدغه و نگرانی از واکنش جمهوری اسلامی، هر روز ساز بدصدایی علیه امنیت ملی ما کوک کند. یادمان نرفته است که روزگاری «ژان مارک آیرو»، وزیر خارجه سابق فرانسه، در میهمانی سفارت این کشور در تهران، در پاسخ به پرسش یکی از تجار فرانسوی که نگران بود مانورهای نظامی مشترک فرانسه با آمریکا و انگلیس در خلیج‌فارس بر روابط تجاری تاثیر بگذارد، با کمال اطمینان و وقاحت گفته بود: «نه، من هیچ نگرانی ندارم... مطمئنم که هیچ اعتراضی در جلسات فردا هم نخواهیم شنید»! این جسارت دشمن، برخاسته از یک تصور غلط بود که گمان می‌کردند ایران در برابر باج‌خواهی و زورگویی، راه انفعال در پیش گرفته است. یا آن زمان که رسانه‌های غربی در توصیفی رذیلانه، مقام اجرائی کشور را «فروشنده بدهکار و مشتاقی» می‌نامیدند که گویا ناگزیر از فروش حقوق ملی است و به کشورهای غربی توصیه می‌کردند که با صبوری، قیمت این فروش را کمتر کنند!

اما امروز آن دوران به سر آمده و منطق حاکم بر جغرافیای سیاسی منطقه، منطق پولادین و حیدری سردار دل‌ها، شهیدحاج قاسم سلیمانی است. در روزهایی که «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، با همان خوی قماربازانه خود در توئیتی خطاب به روحانی نوشت: «دیگر هرگز، هرگز آمریکا را تهدید نکنید وگرنه با پیامدهایی روبه‌رو خواهید شد که کمتر کسی در تاریخ دیده است»، این فرمانده بی‌باک جبهه حق بود که با صلابتی که لرزه بر اندام کاخ سفید انداخت، در دهان او کوبید و فریاد زد:

«آقای ترامپ قمارباز! یادتان باشد طرف حساب شما من هستم و نیروی سپاه قدس، نه تمام نیروهای مسلح. اگر جنگی اتفاق بیفتد، نتیجه آن نابودی همه امکانات شما و پیروزی ماست.»

این پاسخ سردار شهید سلیمانی، فراتر از یک موضع‌گیری نظامی، نشان‌دهنده دست برتر ایران در «جنگ اراده‌ها» بود. سردار ما به درستی به واقعیتی اشاره کرد که مایه شرمساری ارتش پرطمطراق آمریکا در منطقه است: استفاده سربازان آمریکایی از «پوشک بزرگسالان». این یک رجزخوانی ساده یا تحقیر کلامی نبود؛ بلکه توصیف دقیق وضعیت دو جبهه بود. در یکسو، لشکری ایستاده است که بر سر اعتقاد خود می‌جنگد و شهادت را فوز عظیم می‌داند، و در سوی دیگر، لشکری از مزدبگیران سقوط کرده در دامچاله ناچاری قرار دارند.

این رویکرد قاطعانه، تنها یک موضع نظامی صرف نیست، بلکه برخاسته از یک راهبرد کلان و مورد تأیید عالی‌ترین سطح نظام است؛ چنان‌که رهبر انقلاب در تیرماه ۱۳۹۷، در دیدار سفرا و مسئولان وزارت امور خارجه، با تبیین دقیق موازنه قدرت، سخنان رئیس‌جمهور وقت در اروپا مبنی بر اینکه «اگر نفت ایران صادر نشود، نفت هیچ کشوری در منطقه صادر نخواهد شد» را سخنانی مهم و حاکی از سیاست و رویکرد نظام برشمردند.

«جاستین کینگ»، سرباز سابق آمریکایی و سردبیر نشریه تخصصی «ستون پنجم»، در واکنشی تامل‌برانگیز به این اظهارات، ضمن تایید حقیقت استفاده سربازان آمریکایی از پوشک در شرایط عملیاتی، گفت: «برداشت بیشتر افراد این بود که پاسخ ژنرال سلیمانی تحقیر دونالد ترامپ بود. این تغییر پارادایم، دشمن را به این یقین رسانده است که دیگر دوران «بزن و دررو» و اهانت‌های بی‌پاسخ دیپلماتیک گذشته است و کوچک‌ترین خطای محاسباتی در خلیج‌فارس، با پاسخی پشیمان‌کننده و ویرانگر روبه‌رو خواهد شد.

زیردریایی‌های فاتح و غدیر ارواح خبیثه برای ناوگان آمریکا

فراخوان و حضور ناوگان دریایی آمریکا به منطقه، پیش از آنکه تهدید باشد، یک فرصت برای نمایش قدرت ایران است. اندیشکده تخصصی «مطالعات دفاعی امنیتی آسیا» در تحلیل اخیر خود اعتراف کرد که ایران با اعزام زیردریایی‌های «فاتح» و «غدیر»، عملاً موازنه قدرت را در گلوگاه ۲۱ مایلی هرمز تغییر داده است.

فاتح؛ شکارچی خاموش:این زیردریایی ۵۹۳ تنی با قدرت غوص در عمق ۲۵۰ متری، به اژدرهای سنگین «والفجر» و موشک‌های کروز ضدکشتی مجهز است. فاتح می‌تواند تا ۳۵ روز در کمین بماند و هر هدفی را در عمق دریای عمان شکار کند.

غدیر؛ ستون فقرات جنگ نامتقارن: این زیردریایی‌های کوچک اما چابک، همان کاری را با ناوهای آمریکا می‌کنند که «یو-بوت»های آلمانی در جنگ جهانی انجام دادند. اندازه کوچک آن‌ها باعث می‌شود در بستر دریا مستقر شده و از نویز محیطی برای پنهان‌ماندن استفاده کنند. کاپیتان «تریسی وینسنت» از نیروی دریایی آمریکا اذعان می‌کند که این زیردریایی‌ها برای «کمین و ضد دسترسی» طراحی شده‌اند و شناسایی آن‌ها تقریباً غیرممکن است.

دکترین ایران بر «فرسایش فزاینده» استوار است. ما به دنبال بستن دائمی تنگه نیستیم، بلکه می‌خواهیم به دشمن بفهمانیم که هر بشکه نفتی که از این مسیر عبور می‌کند، با اجازه و اراده ایران است.

افسانه ناوهای هواپیمابر و تابوت‌های میلیارد دلاری

رسانه‌های بیگانه از ناو «آبراهام لینکلن» یک غول شکست‌ناپذیر ساخته‌اند، اما حقیقت این است که این ناوها امروز به «تابوت‌های آهنی» تبدیل شده‌اند. با توسعه موشک‌های بالستیک نقطه‌زن مانند «فتاح»، «خیبر» و «خرمشهر»، ایران توانسته است حلقه دفاعی سیستم‌هایی چون AEGIS را بشکند.

میراث شهید بزرگوار، حاج حسن تهرانی مقدم و حاجی‌زاده و محمود باقری، امروز در میدان می‌درخشد. شهید تهرانی‌مقدم معمار قدرت بازدارندگی ما بود که معتقد بود «قدرت واقعی در استقلال استراتژیک است». امروزه یک موشک ایرانی با هزینه‌ای ناچیز، می‌تواند یک ناو چند میلیارد دلاری را که هزینه نگهداری‌اش کمر اقتصاد آمریکا را شکسته، به قعر دریا بفرستد. طبق گزارش‌های نظامی، سیستم‌های دفاع هوائی آمریکا در برابر «حملات اشباع» (شلیک همزمان صدها موشک و پهپاد) عملاً کارایی خود را از دست می‌دهند.

اعترافات لری جانسون و وحشت از «نفت ۱۵۰ دلاری»

لری جانسون، افسر سابق سازمان سیا، در گفت‌وگویی تکان‌دهنده پرده از واقعیت عواقب جنگ با ایران برمی‌دارد. او صراحتاً می‌گوید:«ایران بلافاصله تنگه هرمز را می‌بندد و به تمام ۸ یا ۹ پایگاه بزرگ ما در منطقه حمله می‌کند. پایگاه العدید در قطر، منامه در بحرین و تأسیسات ما در کویت و عربستان هدف قرار می‌گیرند.» جانسون با شماتت دولت آمریکا می‌گوید: «اگر می‌توانستیم موشک‌ها را رهگیری کنیم، چرا اسرائیل حسابی کوبیده شد؟ ما هیچ‌وقت درس نمی‌گیریم.»

او به یک فکت مهم اشاره می‌کند: آمریکا با بیش از ۷۵۰ پایگاه نظامی، بزرگ‌ترین قدرت امپریالیستی و حامی تروریسم در جهان است. اما این امپریالیسم در برابر «شریان انرژی» ایران زانو خواهد زد. حدود ۲۰ درصد نفت جهان از هرمز عبور می‌کند. اگر ایران اراده کند، قیمت نفت به ۱۵۰ دلار و بنزین در آمریکا به بیش از ۴.۵ دلار می‌رسد. این یعنی فروپاشی اقتصاد ۲۵ تریلیون دلاری واشنگتن.

احاطه کامل بر آسمان و اعماق

محمد اکبرزاده، معاون سیاسی نیروی دریایی سپاه، پیام قاطعی به متخاصمان داده است: «مدیریت تنگه هرمز کاملاً هوشمند شده است. ما در زیر، سطح و آسمان دریا لحظه‌ای دیتا دریافت می‌کنیم و تشخیص می‌دهیم کدام ناو اجازه عبور دارد یا ندارد». پیام ایران به کشورهای همسایه نیز شفاف است: «اگر از آسمان یا آب‌های شما علیه ایران استفاده شود، متخاصم تلقی خواهید شد.» این هشدار باعث شده تا موجی از ترس در پایتخت‌های عربی و رژیم صهیونیستی راه بیفتد. وب‌سایت «نیو عرب» گزارش می‌دهد که کشورهای منطقه، حمله به ایران را یک «قمار پرخطر» می‌دانند که می‌تواند کل منطقه را برای سال‌ها بی‌ثبات کند.

اگر تهدید شویم، پاسخ بی‌سابقه خواهیم داد

علاوه‌بر هشدارهای نظامی، دستگاه دیپلماسی کشور نیز با زبانی صریح و از موضع قدرت، هزینه‌های حماقت را به سردمداران کاخ سفید گوشزد کرده است؛ چنان‌که نمایندگی ایران در سازمان ملل در نیویورک در واکنش به لفاظی‌های ترامپ، با یادآوری شکست‌های زنجیره‌ای یانکی‌ها اعلام کرد: «آخرین بار که آمریکا به‌طور اشتباه وارد جنگ در افغانستان و عراق شد، بیش از ۷ تریلیون دلار را هدر داد و بیش از ۷۰۰۰ آمریکایی کشته شدند... اگر به ایران فشار آورده شود، از خود دفاع خواهد کرد و پاسخ خواهد داد، طوری که هرگز قبلاً ندیده‌اید».

حضور معنادار سخنگوی وزارت خارجه در تنگه هرمز

در همین راستا، اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه، با حضور معنادار خود در قلب شاهرگ انرژی جهان، پیامی صریح به اتاق جنگ واشنگتن مخابره کرد. وی در روز پنج‌شنبه ۸ بهمن ۱۴۰۴، با انتشار تصویری در شبکه اجتماعی ایکس از جزیره هرمز، این نگین درخشان خلیج‌فارس را به رخ جهانیان کشید.

درس‌های یمن؛ وقتی انصارالله ابهت یانکی را شکست

تجربه شکست آمریکا در یمن، پیش‌درآمدی بر سرنوشت آن‌ها در خلیج‌فارس است. نیویورک‌تایمز در گزارشی فاش کرد که ترامپ می‌خواست حملات به یمن ظرف ۳۰ روز نتیجه بدهد، اما حوثی‌ها با سرنگونی ۷ پهپاد MQ-۹ و هدف قرار دادن جت‌های F-۱۶ و F-۳۵، ماشین جنگی آمریکا را زمینگیر کردند. وقتی یک گروه مقاومت می‌تواند این‌گونه ابهت آمریکا را درهم بشکند، تصور تقابل با ارتش و سپاه ایران اسلامی برای ژنرال‌های پنتاگون یک کابوس مرگبار است. «عبدالباری عطوان» و تحلیلگران «یورونیوز» نیز بارها بر این نکته تاکید کرده‌اند که ایران «مرد میدان» است و با تهدیدات توئیتری عقب نمی‌نشیند.

کلام آخر از زبان امام خمینی(ره)

باید به دشمنان و سگ‌های قلاده‌شکسته صهیونیست یادآوری کرد که طرف حساب آن‌ها ملتی است که مکتب عاشورا و یاران سلحشورش را سرلوحه دارد. رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار فقید جمهوری اسلامی، چند دهه پیش با نگاهی توحیدی و دوراندیشانه، فرجام ماجراجویی ابرقدرت‌ها در جغرافیای خلیج‌فارس را این‌گونه ترسیم کرده بودند: «...سیاست ما در مورد خلیج‌فارس از اول تاکنون صریح و روشن بوده است. جمهوری اسلامی ایران به امنیت در خلیج‌فارس اهمیت زیادی می‌دهد و به همین دلیل و علی‌رغم فراهم بودن همه نوع امکانات دریایی و هوایی و زمینی در بستن تنگهٔ هرمز و صدمه وارد کردن به کشتی‌ها و نفتکش‌ها و منافع و مراکز صدور نفت و پالایشگاه‌ها و بنادر منطقه تا به حال از سیاست صبر و انتظار و جلوگیری از گسترش جنگ پیروی نموده است و فقط در حد نشان دادن مقدار کمی از قدرت و حضور و توانایی خود و مقابله به مثل وارد عمل گردیده است و دنیا به این حقیقت رسیده است که ناامنی در خلیج‌فارس فقط به ضرر ایران تمام نمی‌شود، بلکه قوی‌ترین قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها هم اگر مثل آمریکا تمامی امکانات هوائی و دریایی و جاسوسی ـ خبری خود و هم‌پیمانان خود در منطقه را بسیج کنند، که حتی یک کشتی را بدون خطر اسکورت و حفاظت نمایند، از این خطر و ضرر مصون نخواهند ماند و در این گرداب ناامنی غرق می‌شوند.» (صحیفه امام خمینی(ره) -جلد ۲۰- ص ۳۲۹)

واشنگتن باید بداند؛ اگر یکی بزند، ده تا می‌خورد. دوران وادادگی تمام شده و امروز عصر «مقاومت فعال» است. دست‌های فرزندان روح‌الله بر روی ماشه است. اگر شرارتی صورت گیرد، تنگه هرمز به گورستان ناوگان پنجم آمریکا تبدیل خواهد شد و آتش این بازی، کاخ سفید را خاکستر خواهد کرد.

دفتر نمایندگی ایران در سازمان ملل:

آخرین باری که آمریکا دچار اشتباه شد ۷ تریلیون دلار خسارت و ۷۰۰۰ نفر تلفات داد

دفتر نمایندگی دائم ایران در سازمان ملل در نیویورک در واکنش به لفاظی جدید ترامپ اعلام کرد که ایران آماده گفت‌وگو براساس احترام و منافع متقابل است اما اگر تعرضی علیه آن صورت بگیرد، پاسخش دردناک‌تر از قبل خواهد بود.

دفتر نمایندگی دائم ایران در سازمان ملل در نیویورک روز چهارشنبه هشتم بهمن‌ماه در پی لفاظی جدید دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا و تهدید دوباره ایران، اعلام کرد: آخرین باری که ایالات متحده در جنگ‌های افغانستان و عراق اشتباه مرتکب شد، بیش از ۷ تریلیون دلار را هدر داد و بیش از ۷۰۰۰ آمریکایی جانشان را از دست دادند.

نمایندگی ایران در شبکه ایکس عنوان کرد: ایران آماده گفت‌وگو برا